

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی بخش فرهنگ: ارزیابی طرح‌های کلان رونق بخشی به بازار هنر ایران در دهه ۱۳۸۰

محمد رضا مریدی*

معصومه تقی‌زادگان**

چکیده

هدف این مقاله بررسی آسیب‌شناختی راه‌کارهای رونق‌بخشی به اقتصاد بخش فرهنگ است. از این رو به ارزیابی طرح‌هایی پرداخته شد که در سیاست‌گذاری‌های برنامه سوم و چهارم توسعه مورد توجه برنامه‌ریزی‌های دولتی بود. در این مقاله با روش تحلیل اسنادی و تکنیک روند پژوهی به تحلیل نتایج حاصل از اجرای طرح آمایش فرهنگی سرزمین، طرح تعاونی‌های فرهنگی، طرح برنامه جامع اشتغال در حوزه فرهنگ، طرح اعطای تسهیلات بانکی به مشاغل فرهنگی، طرح معافیت‌های مالیاتی بخش فرهنگ، طرح صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان پرداخته شد. در پایان با جمع‌بندی از دلایل ناکارآمدی طرح‌های به اجرا درآمده، راهکارهای تازه ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری فرهنگی، اقتصاد هنر، برنامه توسعه، ایران

مقدمه

اقتصاد فرهنگ ناظر بر شناخت مناسبات و تعاملات بین حوزه‌های تولید (آفرینش) و مصرف کالاهای فرهنگی و هنری است. این دانش با استفاده از نظام آماری و جمع‌آوری و پردازش داده‌ها، قادر خواهد بود دولت را در تخصیص و تجهیز اعتبارات فرهنگی از محل منابع عمومی یاری کند. همچنین این دانش در اتخاذ شیوه‌های حمایتی و هدایتی مناسب به منظور تشویق و ترغیب مشارکت بخش غیردولتی در فعالیت‌های فرهنگی و افزایش سهم سرمایه‌گذاری افراد و بنگاه‌های فرهنگی و هنری در تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کمک‌کننده و هدایت‌کننده است.

اما بحث ارتباط میان اقتصاد و فرهنگ تنها به جنبه‌های اقتصادی مانند تولید، ستانده، اشتغال، و عایدی کالاهای فرهنگی مربوط نیست بلکه به جنبه‌های اجتماعی مانند تقاضای فرهنگی، دسترسی، انتخاب‌های ذوقی و ترجیح مصرف‌کننده نیز مربوط است. از این رو در برنامه‌ریزی اجتماعی و مباحث توسعه فرهنگی باید به طور ویژه‌ای به تعامل اقتصاد و فرهنگ پرداخت.

در این مقاله به تحلیل و ارزیابی تجربه‌هایی پرداخته خواهد شد که توسعه اقتصادی بخش فرهنگ را دنبال می‌کنند. در دهه اخیر (۱۳۸۰) به خصوص پس از برنامه چهارم توسعه، سیاست‌های اقتصادی بخش فرهنگ در قالب طرح‌ها و لایحه‌هایی به تصویب دولت، مجلس و دستگاه‌های فرهنگی رسید؛ ارزیابی نتایج به دست آمده از اجرای این طرح‌ها مانند طرح آمایش فرهنگی سرزمین، طرح تعاونی‌های فرهنگ، طرح برنامه جامع اشتغال در حوزه فرهنگ، طرح اعطای تسهیلات بانکی به مشاغل فرهنگی، طرح معافیت‌های مالیاتی بخش فرهنگ، طرح صندوق حمایت از نویسندگان و هنرمندان و کاوش در علل ناکامی و عدم موفقیت برخی از این طرح‌ها مهمترین هدف این مقاله است. در این مقاله با روش تحلیل اسنادی به روند تغییرات ناشی از اجرای این طرح‌ها می‌پردازیم. در بررسی اسناد و آمارهای موجود، این پرسش مطرح است که: طرح‌های مذکور چگونه و چه میزان بر جریان تولید، توزیع، عرضه و تقاضای کالا و محصولات فرهنگی ایران موثر واقع شده‌اند؟

ادبیات نظری: تعامل اقتصاد و فرهنگ

مطالعه اقتصادی کالاهای فرهنگی و هنری می‌تواند در دو سطح معمول اقتصاد خرد و کلان انجام گیرد: ۱- از منظر اقتصاد کلان، سازمان هنری، نهاد اقتصادی کوچکی است که همواره در معرض تغییرات کلان است. سطح کلان هر اقتصادی با مسائلی چون فراز کلی قیمت‌ها، تورم و نرخ بیکاری سر و کار دارد. هرگونه حرکت اقتصادی در سطح کلان مانند بالا و پایین رفتن نرخ بهره یا درآمد ناخالص ملی بر اقتصاد هنر موثر است. در مفهوم اقتصاد جهانی، فعالیت بازار هنر بخشی از بازار بزرگتری به نام صنعت سرگرمی و تفنن است که مبادلات کلان را شامل می‌شود. همچنین مسائلی چون بودجه‌های دولتی، یارانه‌ها، سیاست‌های وام برای تزریق سرمایه به بازار هنر و سیاست‌های مالیاتی از جمله مباحث مطرح در سطح کلان اقتصاد هنر است. ۲- از منظر اقتصاد خرد با مسائل بازار هنر مواجه‌ایم یعنی شرایط تولید کنندگان هنر، درآمدزایی بنگاه‌های کوچک هنری، فرایند قیمت‌گذاری آثار هنری، قدرت خرید مخاطب، سبد مصرف فرهنگی مخاطب و همچنین مسائلی چون واسطه‌های فروش (گالری‌داران)،

حراجی‌ها، کلکسیونرها، بیمه تأمین اجتماعی هنرمندان و غیره در این حوزه مورد بحث قرار می‌گیرد.

دسته‌بندی نظری خرد و کلان اگر چه به جهت نظری شناخت روشنی ارائه می‌دهد اما رویکرد راهبردی مناسبی برای برنامه‌ریزی اجتماعی در اقتصاد کالاهای فرهنگی و هنری فراهم نمی‌کند. از این رو دیدگاه‌های دیگری مطرح است که به تلفیق دو سطح خرد و کلان می‌پردازند. در مجموع چهار دیدگاه در این حوزه قابل بحث است: ۱. دیدگاه درآمدزایی فعالیت‌های هنری ۲. شناخت الگوی بازار هنر ۳. بررسی سیاست‌های دولتی ۴. برنامه تنظیم بازار (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹).

۱. دیدگاه درآمدزایی: این دیدگاه در جستجوی پایه‌های درآمدزایی برای رشد کالاهای فرهنگی و هنر است. به طور مثال درآمدهای ناشی از فروش تابلوهای هنری در گالری‌ها، حراجی‌ها، بازدیدکنندگان موزه‌ها و شرکت-کنندگان جشنواره‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. همچنین درآمدزایی کار هنری برای نقاشان، عکاسان و دیگر فعالان عرصه هنر و بنگاه‌های کوچک هنری مورد توجه قرار می‌گیرد. کیفیت حقوق و دستمزد هنرمندان و دلالت هنری در مقایسه با دیگر مشاغل و ارزیابی توان رشد آنها از دغدغه‌های این رویکرد نظری است. دیدگاه‌های درآمدزایی عمدتاً با نیاز به یارانه‌ها (بیشتر در اروپا) و معافیت مالیاتی (بیشتر در آمریکا) در ارتباط است.

۲. الگوی بازار: شناخت نوع بازار هنر می‌تواند منجر به بررسی تجربی قضایای مربوط به رفتار در بازار هنر گردد. رفتار افراد در بازار بستگی به سلیقه و نیز محدودیت‌های منابع و درآمد، شرایط زمان و هنجارهای مقید کننده مانند کمیابی و دور از دسترسی آن دارد. نهادها و بنگاه‌های هنری مانند گالری‌ها که رفتار افراد در آنها شکل می‌گیرد، مهمترین محدود کننده است. آیا بنگاه‌ها شرایط آزاد برای رقابت دارند یا انحصاری هستند؟ آیا سود می‌برند یا یارانه می‌گیرند؟ البته جنبه نظری این دیدگاه‌ها به طور مستقیم نتایج کاربردی در ارزیابی اقتصاد هنر ندارد اما از جنبه‌شناختی بسیار دارای اهمیت است.

۳. بررسی سیاست‌های دولتی: در این دیدگاه‌ها راه‌های مداخله دولت برای برانگیختن تقاضاهای فرهنگی و هنری ارزیابی می‌شود. انواع مداخله‌های دولت به صورت سرمایه‌گذاری دولتی، سیاست‌های مالیاتی، سیاست‌های بودجه‌ای، اعطای وام و سیاست‌های پولی و نرخ بهره مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. وقتی اقتصاد هنر با رکود تقاضا و ضعف سرمایه‌گذاری رو به رو می‌شود، دولت از طریق سرمایه‌گذاری و سیاست‌های بودجه‌ای، مالی و پولی خود اقدام می‌کند. همچنین سیاست‌های ترغیبی دولت مانند حمایت از بیمه هنرمندان، معافیت‌های مالیاتی و... منجر به تنظیم و تثبیت بازار هنر می‌گردد.

۴. برنامه‌های تنظیم بازار: واقعیت این است که تولیدات هنری را نمی‌توان به بازار سود و زیان سپرد یا آنها را بر مبنای درآمدزایی ارزشیابی کرد. بخش مهمی از تولیدات هنری درآمدزا نیستند، برنامه‌های ترغیبی دولت نیز معمولاً معطوف به حمایت از این تولیدات است. اما سیاست‌های دولتی نیز جنبه‌های آسیب‌زایی برای هنر دارند. زیرا حمایت‌های یک جانبه دولت از یک طرف موجب پیدایش رانت‌خواری از بودجه‌های کلان و از طرف دیگر موجب حذف آرام و تدریجی بخشی از صاحبان اندیشه و هنر می‌گردد. حمایت دولت موجب آمریت در تنظیم بازار است. راهبرد عملی در تنظیم بازار هنر، برنامه‌های ترکیبی از دیدگاه‌های فوق است؛ به گونه‌ای که ابعاد مثبت رویکردها را دارا گردد. برنامه‌های تنظیم بازار که در اقتصاد رفاه مطرح است معتقد به دخالت دولت می‌باشد اما نه به گونه‌ای آمرانه، بلکه به گونه‌ای که شرایط رشد آزاد هنر و فرهنگ فراهم شود و محرومیت‌های مادی در توزیع منابع هنری رفع گردد.

در مقاله حاضر از میان چهار رویکرد توضیح داده شده، رویکرد چهارم دنبال خواهد شد اما با توجه به سهم زیاد سرمایه‌گذاری و حمایت‌های دولتی از بخش فرهنگ، به رویکرد سوم نیز توجه ویژه خواهد شد. به عبارتی در این مقاله، سیاست‌هایی مورد توجه قرار خواهد گرفت که دولت‌ها برای تنظیم بازار فرهنگ و هنر دنبال می‌کنند. از جمله این سیاست‌ها عبارتند از: ۱. دفاع از حقوق صنفی پدید آورندگان ۲. سیاست‌های مالیاتی مناسب ۳. ایجاد صندوق اعتباری و بیمه‌ای ۴. سیاست‌های ارزی و بازرگانی برای تشکیل بازار بین‌المللی هنر، ۵. توزیع مناسب منابع و امکانات برای رونق سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ، ۶- برنامه‌های حمایت از نهادهای اقتصادی بخش فرهنگ مانند موسسات، آموزشگاه‌ها، و....

روش

روش پژوهش در مقاله حاضر تحلیل اسنادی است؛ اسناد تحقیق شامل مجموعه شناخته شده‌ای از گزارش‌های موردی، آیین‌نامه‌ها، پیش‌نویس‌ها، اظهارنظرهای کارشناسی، گزارش‌های سالانه و دیگر مدارک است. در مقاله حاضر به طور خاص، اسناد اداری (آیین‌نامه و بخش‌نامه) مورد تاکید قرار گرفته‌اند «تا فعالیت‌ها و عقاید تصمیم‌گیرندگان و سازمان‌هایی که این اسناد را تصویب کرده‌اند را ترسیم کنیم» (فلیک، ۱۳۸۸: ۲۸۴). این سندهای رسمی و خصوصی برای مطالعه یک روند تعریف شده در نظر گرفته می‌شوند (همان منبع). تکنیک مورد استفاده در روش اسنادی، «تحلیل روند»^۱ است؛ اگر چه اختلاف نظرهای زیادی در خصوص تعریف «روند» وجود دارد اما منظور ما از روند، متصل کردن مجموعه‌ای از رویدادها در یک موقعیت است (استراس، ۱۳۸۵: ۱۴۴). به معنای دیگر، تحلیل روند، شیوه تحلیل‌گر برای توضیح و تبیین تغییر است (همان منبع: ۱۴۹). این کار با توجه به پرسش‌های پژوهش، شامل دنبال کردن روند تصویب، اجرا و ثمربخشی (کارآمدی و ناکارآمدی) سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که برای رونق بخشی به اقتصاد فرهنگ ایران در دهه ۱۳۸۰ انجام شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش گزارش می‌گردد: اول، به مسائل و چالش‌های بحث از اقتصاد فرهنگ در سیاست‌گذاری دولتی ایران پرداخته می‌شود و مهمترین مصوبات مربوط به اقتصاد فرهنگ در برنامه سوم و چهارم توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. دوم، به ارزیابی طرح‌هایی پرداخته می‌شود که توسط سازمان‌ها و دستگاه‌های فرهنگی به اجرا در آمده‌اند و موفقیت‌ها و موانع تحقق اهداف آنها مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

الف) سیاست‌گذاری اقتصاد فرهنگ در ایران

اقتصاد تنها یک ابزار علمی نیست بلکه دانشی بر خواسته از دل فرهنگ است؛ از این رو در خود مفاهیم ایدئولوژیک و نظام‌های هنجاری دارد که مورد توافق سیاست‌گذاران از یک سو و اقتصاددانان از سوی دیگر است. به عنوان مثال در فرهنگ غرب میان ارزش اقتصادی و ارزش فرهنگی تطابق و همخوانی بیشتری وجود دارد، زیرا اصل تعیین کننده هر دو وجود تقاضا یا درخواست از سوی مردم است. اما در کشور ایران ارزش، مفهومی اعتقادی دارد و مطلوبیت فرهنگی یک کالا تنها بر اساس تقاضای بازار یا درخواست مردم نیست بلکه بر اساس مبانی دینی و

¹. trend analysis

اعتقادی است. پرداختن به تفاوت این دو نگرش، رویکرد کلی سیاست‌گذاری فرهنگی و اقتصادی در ارزش‌گذاری کالاهای فرهنگی ایران را روشن می‌سازد.

الگوهای کشورهای سرمایه‌داری از فرهنگ اغلب بر پایه سرمایه و فایده بنا شده است؛ یعنی تولید فرهنگی، محصول‌های فرهنگی و یا سفارش‌های فرهنگی حول محور افزایش سرمایه معنا پیدا می‌کند. در غرب، جهت‌گیری‌های اجتماعی، فرهنگی و ارزشی توسط شرکت‌های بزرگ اقتصادی برای حوزه فرهنگ معنا می‌شوند و باید‌ها و نبایدها بر پایه محاسبه‌های اقتصادی تعریف شده‌اند؛ اقتصاد فرهنگ نیز به پردازش و تحلیل سفارش‌هایی می‌پردازد که از حوزه اقتصاد درخواست شده است (صالحی امیری، ۱۳۸۷). بنابر این با توجه به تفاوت‌های ارزشی میان کشور ایران و کشورهای غرب باید گفت: **اولین مساله** در سیاست‌گذاری اقتصاد فرهنگ ایران این است که اقتصاد به رونق کدام فرهنگ می‌پردازد؟

دومین مساله در سیاست‌گذاری اقتصاد فرهنگ ایران به ساختار اقتصادی کشور مربوط است. با توجه به اقتصاد نفت محور و سهم عمده دولت در سرمایه‌گذاری‌ها و فقدان انباشت سرمایه کافی در حوزه خصوصی، همواره این انتظار وجود دارد که دولت مهم‌ترین سرمایه‌گذار در حوزه فرهنگ و هنر باشد؛ تلقی نادرست از این امر آن است که دولت بزرگترین خریدار و مصرف‌کننده محصولات فرهنگی و هنری باشد. به عنوان مثال نقاشان انتظار دارند که دولت سالانه باید به خرید تابلوهای نقاشی اقدام کند و ناشران نیز انتظار دارند که دولت سالانه به خرید عمده کتاب بپردازد؛ همچنین دیگر تولیدکنندگان محصولات فرهنگی نیز انتظار دارند دولت با توزیع بن خرید محصولات فرهنگی به ارائه یارانه‌های فرهنگی در بخش مصرف اقدام کند. مجموعه این اقدامات بر متولی بودن دولت در بخش فرهنگ و هنر تاکید دارند. با این حال برخی دیگر، اقدامات دولت در رونق بخشی به اقتصاد فرهنگ را راهی برای کنترل و نظارت بر محصولات تولید شده و گسترش هژمونی فرهنگ رسمی می‌دانند.

در برنامه‌ریزی دولتی دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم برای ورود دولت در حوزه اقتصاد فرهنگ وجود دارد. شیوه مستقیم مبتنی بر سرمایه‌گذاری در تولید و خرید آثار فرهنگی و مهم‌تر از آن اعطای یارانه‌های فرهنگی است. شیوه غیر مستقیم، اغلب رویکردهای حمایتی دارد مانند اعطای تسهیلات بانکی و ایجاد معافیت‌های مالیاتی و گمرکی. همان‌گونه که گفته شد با توجه به سهم عمده دولت در اقتصاد ایران، تصدی‌گری دولت در بخش فرهنگ نیز زیاد است و مهم‌ترین ساز و کار برای برنامه‌ریزی دولتی در رونق بخشی به اقتصاد فرهنگ پرداخت یارانه‌ها است. با این حال این پرسش مطرح است که آیا با پرداخت یارانه، هدف‌های دولت محقق می‌شود؟ پاسخ منطقی به این پرسش در گرو مقایسه وضعیت جامعه پیش و پس از پرداخت یارانه (به فرض ثابت ماندن سایر شرایط) طی مطالعه‌ای تجربی است. به عبارت دیگر، ضروری است مجموع هزینه‌ها و فایده‌های پرداخت یارانه شناسایی و برآورد شده، خالص رفاه اجتماعی محاسبه گردد. اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در ایران داده‌های لازم برای چنین مطالعه‌ای وجود ندارد و تلاش چندانی در حوزه برآورد هزینه و فایده‌های اختصاص دادن یارانه برای تولیدات فرهنگی و هنری صورت نگرفته است. اما این مشکل مانع از آن نیست که دست‌کم، نظریه مربوط به پی‌آمدهای منفی پرداخت یارانه به تولیدکنندگان محصولات فرهنگی و هنری را مطرح نکنیم. این نظریه، در مقابل، نظریه هنجاری پرداخت یارانه برای تولیدات فرهنگی و هنری، هزینه‌های اجتماعی سیاست مذکور را تبیین می‌کند و زمینه مطرح شدن و به کارگیری ابزارهای کارآتر و اثربخش‌تر در جهت حمایت از تولیدات فرهنگی - هنری را فراهم می‌آورد. برخی هزینه‌ها و انتقادهای وارد بر سیاست پرداخت یارانه‌ها عبارت است از:

الف) هزینه‌های اداری توزیع یارانه؛ به عنوان مثال تاسیس سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های مرتبط برای توزیع و تقسیم یارانه‌ها که وجودشان موجب می‌گردد بخش زیادی از این یارانه‌ها صرف امور اداری شود.

ب) وقوع رانت‌جویی (یا کسب درآمدهای بادآورده) در هنگام وضع یارانه‌های تولیدی.

ج) توزیع نابرابر منافع یارانه‌های تولیدی در جامعه؛ در واقع امکان افزایش دسترسی طبقات کم‌درآمد به کالاهای فرهنگی - هنری یکی از هدف‌های اختصاص یارانه به تولید یا مصرف این کالاها در جامعه است، با این حال مکانیزم اعطای یارانه هیچ تضمینی برای توزیع برابر و عادلانه را در بر ندارد.

د) پی‌آمدهای غیراقتصادی اعطای یارانه به تولیدات فرهنگی - هنری که بیشتر به ابعاد فرهنگی مربوط است مانند گسترده شدن نظارت دولت و غلبه هژمونی رسمی بر خلاقیت‌های هنری و محصولات فرهنگی است.

بنابر این در سیاست‌گذاری اقتصاد فرهنگ ایران باید: در گام اول، به شناسایی الگوها و مدل‌های تخصیص یارانه‌های فرهنگی پرداخت و مدل‌های راهبردی مناسب ارائه داد. در گام دوم، برای سیاست‌گذاری اقتصاد فرهنگ باید به رصد مشکلات و مسائل جاری پرداخت؛ مسائلی همچون بحران اشتغال در بخش فرهنگ، مشکلات اعطای تسهیلات بانکی به بنگاه‌های فرهنگی، ابهام در ارزش‌گذاری و قیمت‌گذاری کالاهای فرهنگی و هنری و... که رفع آنها موجب جلب اعتماد برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خواهد شد.

یکی دیگر از مسائل و مشکلات اقتصاد فرهنگ در ایران، فقدان نهادهای متولی و برنامه‌ریز در این زمینه است. با توجه به سهم کم اقتصاد کالاهای فرهنگی و هنری، نهادهای اقتصادی خود را چندان ملزم به برنامه‌ریزی در آن نمی‌دانند و تنها برخی از نهادهای فرهنگی اقدام به این امر می‌نمایند. مهمترین سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در بخش فرهنگ طی سال‌های اخیر، در شورای عالی انقلاب اسلامی و کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی طراحی شده است. این سیاست‌ها طی برنامه سوم و چهارم توسعه به تصویب رسید. در ادامه به مهمترین این مصوبات پرداخته می‌شود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک نهاد مهم تصمیم‌گیرنده در خصوص فرهنگ، در مقطعی به راهکارهای رونق‌بخشی اقتصاد فرهنگ پرداخته است. در جلسه شماره ۴۳۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی (مورخ ۱۳۷۸/۰۱/۲۳) اهداف و سیاست‌های کلی فرهنگی برنامه سوم توسعه کشور برای ایجاد زمینه‌های مناسب برای تقویت بنیه مادی و رونق اقتصاد فرهنگ به شرح زیر تصویب گردید:

- ۱- وضع یا اصلاح قوانین مربوط به حوزه تولید و توزیع آثار و خدمات فرهنگی.
- ۲- زمینه‌سازی، ایجاد تسهیلات و حمایت از صادرات محصولات فرهنگی در بازارهای جهانی.
- ۳- توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی از طریق تبیین و تدوین الگوی متناسب با ارزش‌های نظام و انقلاب اسلامی و رفع موانع و مشکلات موجود و معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران در سطح بین‌الملل خصوصاً جاذبه‌های معنوی و اسلامی در سطح بین‌الملل و جهان.
- ۴- تدوین راهبرد و تعیین جایگاه صنایع فرهنگی و فن‌آوری مرتبط با فرهنگ در توسعه صنعت کشور و تشویق سرمایه‌گذاری در تأسیسات زیربنایی حوزه فرهنگ.
- ۵- ایجاد مؤسسه‌های اعتباری به منظور حمایت از تولید و عرضه آثار و خدمات فرهنگی و استمرار پرداخت یارانه‌های بخش فرهنگ.

۶- تبیین و ترویج فرهنگ مسوولیت‌پذیری خانواده‌ها در تأمین نیازهای فرهنگی و تدوین شیوه‌های افزایش سهم مصرف فرهنگی در کل هزینه‌های خانوار.

از دیگر مصوبات مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی در رونق بخشی اقتصاد فرهنگ، باید به مصوبه جلسه ۵۳۱ (مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۹) اشاره کرد. در این مصوبه سیاست‌های حمایت از اشتغال هنرمندان به تصویب رسید و به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور (شهرداری‌ها) و سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان میراث فرهنگی و فرهنگستان هنر تاکید گردید تا ظرف مدت کوتاهی (حداکثر یک سال) طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی شدن مصوبات را به شورای هنر (شورای عالی انقلاب فرهنگی) ارائه دهند. بندهای مهم این سیاستگذاری در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی برای حمایت از اشتغال هنرمندان

بندها	موارد
تقویت و حمایت از هنرمند برای تولید بیشتر آثار هنری	محورهای توجه به امر اشتغال هنرمندان
اصلاح مقررات موجود در استفاده از نیروهای کارآمد هنری برای عرصه‌های مدیریتی، پژوهشی، آموزشی و تولیدی	
اصلاح ذائقه جامعه در بهره‌گیری از آثار هنری	
توجه به مبانی ارزش‌های دینی و ملی و اصول سیاست فرهنگی کشور در کلیه برنامه‌ریزی‌های مربوط به اشتغال هنرمندان	
ایجاد بازارچه‌های عرضه تولیدات هنری در کشور	سیاست‌های حمایت از اشتغال هنرمندان در بخش خصوصی
اصلاح و تکمیل مقررات مربوط به فعالیت تشکلهای صنفی - هنری	
تشویق مردم به استفاده از آثار هنری ارزشمند	
تقویت ارتباط هنر و صنعت	
ایجاد و گسترش کارگاه‌های هنری	سیاست‌های حمایت از اشتغال هنرمندان در بخش دولتی
استفاده از فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری در پست‌های تخصصی هنر	
اجازه خرید آثار هنرمندان در دستگاه‌های دولتی با نظر کارشناسان خبره	
اختصاص کالابریگ مصرف فرهنگی شامل خرید و استفاده از خدمات هنری برای کارمندان و کارکنان دولت	
تغییر تدریجی حمایت از مخاطب و مصرف کننده آثار فرهنگی و	

هنری به جای حمایت از تولیدکننده آثار فرهنگی و هنری	
حمایت از روند صدور محصولات هنری به خارج از کشور	

در فصل نهم از برنامه چهارم توسعه، مبحث اقتصاد فرهنگ به طور ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفت. مرکز پژوهش‌های مجلس طی گزارشی به ارزیابی اجرایی شدن بندهای ماده ۱۰۴ برنامه چهارم پرداخت (غلامپور آهنگر، ۱۳۸۸). در مقاله حاضر تنها به بخش‌هایی از این گزارش پرداخته می‌شود، که به جنبه‌های اقتصادی فرهنگ مربوط است.

جدول ۲. برنامه‌های دولت در رونق اقتصاد فرهنگ

ماده و بند	هدف در برنامه توسعه چهارم	عملکرد دولت در گزارش‌های اقتصادی سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶
ماده ۱۰۴، بند «ج»	احصا و ارتقای سهم بخش فرهنگ، بر اساس شاخصهای مورد نظر در اقتصاد ملی و منظور نمودن رشد متناسب سالانه در لوایح بودجه	۱. در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در دست تهیه است (۱۳۸۴) ۲. در دست تهیه (۱۳۸۵) ۳. هنوز پیش نویس طرح تهیه نشده است. جهت اجرا، موضوع این بند به عنوان یک سرفصل مهم به پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات پیشنهاد شده است (۱۳۸۶)
ماده ۱۰۴، بند «ح»	حمایت یا مشارکت با هنرمندان و مجموعه‌دارانی که قصد ایجاد موزه شخصی آثار هنری خویش و یا کتابخانه را دارند، از جمله: استفاده از فضاهای دولتی به صورت امانی، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی، کلیه شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی	۱. سالانه اعتباراتی برای حمایت از کتابخانه‌های شخصی پیش بینی می‌شود (۱۳۸۴) ۲. در حال پیگیری (۱۳۸۵) ۳. در دست اقدام (۱۳۸۶)
ماده ۱۰۴، بند «ز»	ساماندهی نظام یارانه‌ای بخش فرهنگ، با اولویت کودکان، دانش‌آموزان و دانشجویان با رویکرد تغییر نظام پرداخت یارانه از تولید به سمت مصرف، برای کلیه اقشار جامعه و خرید محصولات فرهنگی.	۱. اقدامی صورت نگرفته است (۱۳۸۴) ۲. در حال پیگیری (۱۳۸۵) ۳. طرح مورد نظر در سال ۱۳۸۵ تهیه و در شورای عالی اقتصاد به تصویب رسید. پیش نویس آیین نامه‌های اجرایی مربوط به اقتصاد در حوزه نشر و کتاب به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارسال گردید اما در دیگر بخش‌ها اقدامی صورت نگرفته است.

<p>۱. آیین نامه مربوطه تدوین شد (۱۳۸۴) ۲. پیش نویس تهیه و اکنون در مرحله اظهار نظر توسط مدیران و صاحب‌نظران فرهنگی است (۱۳۸۵) ۳. آیین‌نامه مربوطه تهیه و به تصویب هیات وزیران رسید. حوزه های مرتبط در مرحله اجرای آیین‌نامه هستند و گزارش عملکرد آن متعاقبا اعلام می شود (۱۳۸۶)</p>	<p>حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه تکمیل مراکز فرهنگی و هنری نیمه تمام بخش غیردولتی را که تکمیل و بهره‌برداری از آنها برای استفاده عمومی ضروری است براساس آیین‌نامه به صورت کمک تأمین نماید. در صورت تغییر کاربری این مراکز از استفاده عمومی به خصوصی باید وجوه دولتی پرداختی به قیمت روز مسترد گردد.</p>	<p>ماده ۱۰۴، بند «ل»</p>
<p>۱. آیین نامه اجرایی مربوطه تدوین شد (۱۳۸۴) ۲. پیش نویس تهیه و به سازمان مدیریت ارسال شده است و اکنون در حال بررسی هیات وزیران است (۱۳۸۵) ۳. آیین‌نامه مربوطه تهیه و به تصویب هیات وزیران رسید. دستورالعمل اجرایی آن نیز تهیه و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ گردید. گزارش عملکرد واحدهای اجرایی در حال دریافت است و گزارش اولیه آن نیز به رئیس محترم جمهور اعلام گردید.</p>	<p>به دولت اجازه داده می‌شود تا نیم درصد (۰/۵٪) از اعتبارات دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۰) این قانون را با پیشنهاد رئیس دستگاه مربوطه برای انجام امور فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی جهت ترویج فضایل اخلاقی و معارف اسلامی کارکنان خود هزینه نماید</p>	<p>ماده ۱۰۴، بند «ی»</p>
<p>۱. از سوی دستگاه‌های اجرایی اقدامی اعلام نشده است (۱۳۸۴) ۲. در حال پیگیری (۱۳۸۵) ۳. دستور العمل اجرایی توسط وزارت مطبوع و سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهیه و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. گزارش عملکرد و اجرای آن پس از اخذ و جمع‌آوری متعاقبا اعلام می شود (۱۳۸۶)</p>	<p>کلیه دستگاه‌های اجرایی و مجریان طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مجازند، تا یک درصد (۱٪) از اعتبارات احداث بناها و ساختمانهای خود را برای طراحی، ساخت، نصب و نمایش آثار هنری متناسب با فرهنگ دینی و ملی و یادمانهای دفاع مقدس در همان طرح صرف نمایند.</p>	<p>ماده ۱۱۳، بند «و»</p>
<p>۱. پیش نویس طرح تهیه و در طرح تجمیع حمایت های فرهنگی و هنری در حال بررسی و پیگیری است (۱۳۸۴) ۲. در حال پیگیری (۱۳۸۵) ۳. در دست اقدام (۱۳۸۶)</p>	<p>تهیه لایحه امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر و استقرار نظام صنفی بخش فرهنگ تا پایان سال اول برنامه چهارم</p>	<p>ماده ۱۱۶، بند «الف»</p>
<p>۱. پیش نویس در دست بررسی است (۱۳۸۴) ۲. پیش نویس طرح تهیه و در طرح تجمیع حمایت های فرهنگی و هنری در حال بررسی و پیگیری است (۱۳۸۵)</p>	<p>اصحاب فرهنگ و هنر که شغل خود را از دست می‌دهند به تشخیص دولت به مدت حداکثر سه سال تحت پوشش بیمه بیکاری دولت قرار گیرند. دولت</p>	<p>ماده ۱۱۶، بند «ج»</p>

<p>۳. پیش‌نویس توسط صندوق اعتباری حمایت از اصحاب فرهنگ و هنر تهیه شده و مقرر شد مرکز توسعه و برنامه‌های قرآنی آن را بررسی و پیش‌نویس نهایی را تهیه و ارسال کند (۱۳۸۶)</p>	<p>در چارچوب لوایح بودجه سنواری کمکهای اعتباری در اختیار صندوق بیمه بیکاری قرار خواهد داد.</p>	
---	--	--

منبع: غلامپور آهنگر، ۱۳۸۸: ۲۸

برای اجرایی شدن اهداف توسعه فرهنگ در برنامه چهارم توسعه، هیات وزیران به تصویب اسنادی پرداخت که طی آن دستگاه‌های اجرایی را مکلف به تهیه طرح، آیین‌نامه، لایحه و دستورالعمل می‌کند. بنا به گزارش عملکردی دولت، در سند بخش فرهنگ، به روند اقدامات انجام گرفته در برنامه توسعه چهارم، برای توسعه اقتصاد فرهنگ به شرح زیر است:

- ۱- سازماندهی نظام تدوین اعتبارات بخش فرهنگ و هنر متناسب با رشد تولید، مصرف و تقاضای بازار (اقدام مشخصی انجام نگرفته).
 - ۲- تهیه و اجرای تقویت تعامل میان تولیدکنندگان صنعتی و خدماتی و هنرمندان و طراحان (در دست اقدام).
 - ۳- تهیه و اجرای صندوق ضمانت و تشویق صادرات آثار فرهنگی و هنری (در دست اقدام).
 - ۴- ساماندهی نظام یارانه‌ای بخش فرهنگ با رویکرد پرداخت یارانه از تولید به مصرف (نامشخص).
 - ۵- تهیه و اجرای بیمه تضمینی تولیدات، آثار و خدمات فرهنگی و هنری (نامشخص).
 - ۶- تدوین و اجرای طرح بهره‌مندی اشخاص حقیقی و حقوقی از تسهیلات ویژه برای توسعه صنایع بخش فرهنگ (در دست اقدام).
 - ۷- تهیه و اجرای طرح جامع توسعه صادرات کالاهای فرهنگی و هنری با رویکرد حمایت از فعالیت‌های بازاریابی، معرفی و فروش (طرحی تهیه نشده).
 - ۸- بازنگری و اصلاح قوانین جهت روان‌سازی و تسهیل امور فعالان حوزه فرهنگ و کاهش یا حذف مقررات و قوانین و آیین‌نامه‌های مزاحم (نامشخص).
 - ۹- حمایت از توسعه و گسترش بنگاه‌های اقتصادی (تعاونی) بخش فرهنگ (در دست اقدام).
 - ۱۰- طرح خرید کالاهای فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی از نیم درصد (۰/۵٪) اعتبارات دستگاه‌های دولتی (متوقف شده و نامشخص).
 - ۱۱- تهیه لایحه شغلی و پوشش بیکاری اصحاب فرهنگ (در دست اقدام و در بخش‌هایی به اجرا درآمده).
 - ۱۲- تهیه آیین‌نامه نحوه تخصیص یک درصد (۱٪) از اعتبارات احداث بناها و ساختمان‌های کلیه دستگاه‌های اجرایی برای طراحی، ساخت، نصب و نمایش آثار هنری (در دست اقدام).
 - ۱۳- حمایت از تاسیس موزه‌های خصوصی (نامشخص).
- گزارش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از مصوبات به مرحله تعیین آیین‌نامه و سازوکار اجرایی شدن نرسیده‌اند و طرح‌های رونق‌بخشی به اقتصاد فرهنگ در برنامه توسعه چهارم، در حد طرح و ایده باقی مانده‌اند.

از نکات قابل توجه در برنامه چهارم توسعه، افزایش اعتبارات مستقیم و غیر مستقیم بخش فرهنگ است. به عبارتی علاوه بر بودجه‌های مستقیم که به سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مربوطه اختصاص می‌یابد مواردی نیز در قالب تبصره بودجه، موجب افزایش اعتبارات بخش فرهنگی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ گردیده است. جدول زیر بخشی از منابع مالی فرهنگ را نشان می‌دهد.

جدول ۳. تبصره‌های حوزه هنر در قوانین سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶

سال- بودجه	تبصره و بند	موضوع
۱۳۸۴	۲پ۷	اختصاص ۲۰ درصد از درآمد حاصل از مبارزه با قاچاق سیگار برای فعالیت‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی به صدا و سیما و معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
	۱۰ پ	اختصاص ۱۰ درصد از اعتبارات حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد در زمینه تالیفات، تبلیغات و تولیدات هنری به امور فرهنگی و هنری دفاع مقدس
	۱۶ ت	اختصاص ۳۰ درصد از اعتبارات (۳۰۲۱۱ از ردیف ۱۱۴۰۰۰) وزارت فرهنگ و ارشاد برای تولید فیلم‌های عظیم و نمونه
	۱۶ ج	اختصاص مبلغ ۵ میلیارد ریال به متقاضیان سینماهای کوچک در مناطق محروم از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد
۱۳۸۵	۲۰۷	اختصاص ۲۰ درصد از درآمد حاصل از مبارزه با قاچاق سیگار برای فعالیت‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی به صدا و سیما و معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
	۱۲ ز	علاوه بر بودجه مصوب استانی، شورای برنامه ریزی استان‌ها مکلف‌اند حداقل ۱۰ درصد از اعتبارات توسعه استان‌ها را به پروژه‌های فرهنگی نظیر افزایش پوشش صدا و سیما، کتابخانه‌ها، مجتمع‌های فرهنگی، سینماها، موزه‌ها و بناهای مذهبی اختصاص دهند.
	۱۶ ج	اختصاص ۳۰ درصد از اعتبارات (۳۰۲۵۷ از ردیف ۱۱۴۰۰۰) وزارت فرهنگ و ارشاد برای تولید فیلم‌های عظیم و نمونه
۱۳۸۶	۱۲ و	علاوه بر بودجه مصوب استانی، شورای برنامه ریزی استان‌ها مکلف‌اند حداقل ۱۰ درصد از اعتبارات توسعه استان‌ها را به پروژه‌های فرهنگی نظیر افزایش پوشش صدا و سیما، کتابخانه‌ها، مجتمع‌های فرهنگی، سینماها، موزه‌ها و بناهای مذهبی اختصاص دهند.

با وجود بودجه‌های کلان در بخش فرهنگ و هنر و سرمایه‌گذاری دولت در این بخش، اما چرا همچنان سخن از عدم توجه دولت به بخش هنر است. بررسی این نکته را باید در موارد زیر جستجو کرد: ۱- عدم تفکیک بخش هنر از فرهنگ در نظام بودجه دولتی ۲- عدم تفکیک بخش صنایع فرهنگی از هنرهای آفرینشی در بخش فرهنگ ۳- عدم توزیع مناسب یارانه‌های دولتی در بخش‌های مختلف فرهنگ.

در برنامه پنجم توسعه به طور مشخص، به بحث اقتصاد فرهنگ پرداخته نشده است؛ علت اصلی این است که شیوه سیاست‌گذاری و برنامه‌نویسی در این دوره تغییر اساسی کرد؛ تنها نکته قابل توجه در برنامه پنجم توسعه، که می‌تواند به ارتباط بیشتر فرهنگ و صنعت منجر گردد، تاکید بر لزوم ارائه «پیوست فرهنگی» برای طرح‌های مهم اقتصادی و صنعتی است (ماده ۲ در برنامه پنجم). پیوست فرهنگی یک راهکار عملیاتی، برای همه طرح‌های صنعتی، عمرانی و در کل اقتصادی است که طی آن باید در کنار برنامه و نقشه اجرایی هر طرح ملی و منطقه‌ای، نقشه و برنامه پیوست فرهنگی آن هم تدوین و ضمیمه شود؛ برای مثال، در هر منطقه از ایران که قرار است صنایعی ایجاد شود، لازم است پیامدها و بازخوردهای فرهنگی آن هم بررسی، کارشناسی و لحاظ شود. پیامد این طرح برای توسعه اقتصاد فرهنگ این است که، موجب افزایش بودجه‌های پژوهشی و آموزشی به صورت غیر متمرکز خواهد شد. با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان سرمایه‌های وارد شده به بخش فرهنگ از طرح‌های ملی را به چرخه تولید و مصرف کالاهای فرهنگی هنری در منطقه اجرایی طرح‌ها (مانند طرح ملی نفت و گاز در جنوب، طرح ملی معادن در مرکز کشور و...) تبدیل کرد.

در ادامه به ارزیابی دقیق‌تر طرح‌های به اجرا درآمده و تصمیم‌ها و اقدام‌های صورت گرفته پرداخته می‌شود که به طور مستقیم و غیر مستقیم موجب رونق بخشی به اقتصاد فرهنگ گردیده‌اند.

ب) طرح‌های توسعه فعالیت‌های اقتصادی بخش فرهنگ

تاکنون طرح‌های زیادی در دولت‌های پس از انقلاب برای، رونق بخشی به اقتصاد بخش فرهنگ به اجرا درآمده است. در این بخش به بررسی مهمترین این طرح‌ها پرداخته می‌شود و نتایج به دست آمده و دلایل ناکامی‌های تجربه شده، مطالعه می‌گردد. مهمترین طرح‌ها عبارتند از: ۱- طرح آمایش فرهنگی سرزمین، ۲- طرح تعاونی‌های فرهنگی، ۳- برنامه جامع اشتغال در حوزه فرهنگ، ۴- اعطای تسهیلات بانکی به مشاغل فرهنگی، ۵- معافیت‌های مالیاتی بخش فرهنگ ۶- صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان

طرح آمایش فرهنگی سرزمین: طرح آمایش فرهنگی، برنامه‌ای مبنایی برای توزیع منابع، امکانات و سرمایه در بخش فرهنگ است که در نهایت می‌تواند بستر مناسب را برای توسعه بازار صنایع و محصولات فرهنگی و هنری فراهم سازد. گفتمان مهندسی فرهنگی در دهه ۱۳۸۰ نوید بخش توجه جدی به اجرای طرح آمایش فرهنگی سرزمین بود. در واقع تعریف آمایش به معنای «مهندسی ترتیبات بهره‌وری از ظرفیت‌های اجتماعی» بیانگر پیوند نظری عمیق میان مفهوم مهندسی فرهنگی و رویکردهای آمایش سرزمین است. سیر تکوینی مفهوم آمایش و انجام تحقیقات مربوط به آن طی سه دهه ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ عبارت بود از: حرکت از ابعاد کالبدی توسعه (شامل توسعه معادن و ذخایر) به ابعاد اجتماعی توسعه (شامل توسعه ظرفیت‌های انسانی). بنابر این انتظار می‌رفت که گام بعدی در تکوین طرح

آمایش سرزمین طی دهه ۱۳۸۰ حرکت به سوی آمایش فرهنگی سرزمین باشد. اما متأسفانه در حوزه آمایش فرهنگی تحقیقات کمی انجام گرفته است.

«هدف مهم آمایش فرهنگی، کشف بهترین نوع توزیع خصیصه‌های فرهنگی مناطق، نواحی، کلان شهرها و شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها و فعلیت متناسب و منسجم آنها با توجه به استعدادهای مادی و معنوی موجود در جغرافیای وسیع کشور می‌باشد» (واعظی، ۱۳۸۶: ۴۵۶). در واقع دسترسی عادلانه مردم هر منطقه به امکانات و خدمات فرهنگی متناسب با شاخص‌های مربوط و مؤثر آن منطقه مانند جمعیت، مساحت و سایر ویژگی‌های اجتماعی خواهد بود (شاپورآبادی، ۱۳۸۷).

در بحث آمایش فرهنگی، دو نوع مرزبندی منطقه‌ای را می‌توان مدنظر قرار داد. اول تقسیم‌بندی بر اساس مرزهای جغرافیای سیاسی استان‌ها و دوم مرزهای فرهنگی مناطق. عمده مطالعات انجام گرفته بر مرزبندی استان‌ها تاکید دارند در حالی که توجه به مرزهای مناطق فرهنگی و تاکید بر اشتراکات میان شهرستان‌ها، فارغ از دسته‌بندی جغرافیای سیاسی می‌تواند در برنامه‌ریزی فرهنگی موثرتر باشد. به عنوان مثال برنامه‌های فرهنگی استان هرمزگان بدون توجه به مشترکات آن با استان بوشهر و سیستان و بلوچستان امری ناقص و معیوب است. شاید دسته‌بندی فرهنگ‌ها در قالب فرهنگ‌های کویری، فرهنگ‌های دامنه زاگرس، فرهنگ‌های کرانه خلیج فارس، فرهنگ‌های کرانه خزر، فرهنگ‌های مرزی و... به لحاظ اجتماعی معنادارتر باشند و برنامه‌ریزی فرهنگی در این مرزها نتایج و دست-آورد‌های بهتری به همراه آورد. با این حال بررسی این دیدگاه نیاز به مطالعه تفصیلی و میدانی دارد. متأسفانه در این حوزه پژوهش‌های کمی به انجام رسیده است. در زیر به تلاش‌های اندک و گاهی ناتمام مانده در اجرای طرح آمایش فرهنگی ایران اشاره می‌گردد:

۱- پی‌گیری طرح آمایش سرزمین فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ شورا با برگزاری نشست‌ها و انتشار ویژه‌نامه‌های متعدد تلاش دارد به بسط مفهوم آمایش فرهنگی بپردازد و قرابت‌های مهندسی فرهنگی و آمایش فرهنگی را مورد توجه قرار دهد. اما متأسفانه تاکنون تحقیق جدی در این حوزه به انجام نرسانده و کوشش‌های انجام شده به پایانی نتیجه بخش نرسیده است.

۲- مطالعات پراکنده و اندک در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص آمایش فرهنگی به انجام رسیده است. به عنوان مثال پی‌گیری اجرای تفاهم‌نامه «آمایش فرهنگی - هنری حوزه نفوذ پارس جنوبی» میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت نفت که البته هنوز نتایجی از آن ارائه نشده است. همچنین موضوع آمایش فرهنگی سرزمین، در طرح پیشنهادی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم (بند ۵۷) مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

۲- تاکنون مطالعات پراکنده‌ای در سطح استان‌های مختلف به انجام رسیده است؛ به عنوان مثال طرح پژوهشی با عنوان «آمایش فرهنگی و سنجش نیازهای فرهنگی خانوار در مناطق شهر مشهد» توسط حسین بهروان و به سفارش معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد انجام شده است. این تحقیق در جهت برنامه‌ریزی فرهنگی شهر مشهد و در راستای وظایف و عملکرد شهرداری و سایر دستگاه‌های فرهنگی شهر به اجرا در آمد. همچنین استانداری اصفهان و دیگر شهرها در این خصوص تلاش‌هایی را به انجام رسانده‌اند.

این تعداد کم تحقیقات انجام شده در خصوص آمایش فرهنگی سرزمین، ضرورت توجه جدی به این مقوله را نشان می‌دهد. آمایش فرهنگی سرزمین حلقه اتصال میان مهندسی فرهنگی و اقتصاد فرهنگ است؛ زیرا از یک سو موجب توزیع عادلانه امکانات فرهنگی و افزایش تقاضاهای مصرف فرهنگی می‌گردد و از سوی دیگر، امکان توزیع سرمایه و سرمایه‌گذاری غیر متمرکز را ایجاد می‌کند که موجب رونق بخشی اقتصاد فرهنگ در شهرهای مختلف ایران می‌گردد.

طرح تعاونی‌های فرهنگی: نظام تعاون، زمینه‌ای مناسب برای کنش متقابل میان فرهنگ و اقتصاد است. شرکت‌های تعاونی تشکلی اقتصادی هستند که علاوه بر رفع نیاز مشترک سهام‌داران، اثرات اجتماعی خاصی بر جامعه دارند. شرکت تعاونی از یک طرف به دلیل وجود ارزش‌های جهانی (منظور ارزش‌های مورد تایید اتحادیه بین‌المللی تعاون - ICA) که منطبق با ارزش‌های فرهنگی جامعه ایران است، و از طرفی دیگر با سازوکار رفع نیاز معیشتی سهام‌داران طراحی شده است. بنابراین به نظر می‌رسد تعاونی‌ها بستر مناسبی را برای تعامل تولید و مصرف محصولات فرهنگی و هنری در اقشار مختلف جامعه فراهم می‌سازند و موجب ارتقاء سطح تولید و مصرف فرهنگی در جامعه می‌گردند و در نهایت زمینه را برای توزیع مناسب اقتصاد و مصرف فرهنگی برقرار می‌سازند. پرداختن به تعاونی‌های فرهنگ پاسخگوی فقدان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش فرهنگ خواهد بود و ساز و کارهای اعطای تسهیلات برای افزایش تولید در صنایع فرهنگی و هنرهای آفرینشی را فراهم خواهد ساخت.

در ایران مجوز تاسیس تعاونی‌های تولیدی و توزیعی فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است. همچنین در سال ۱۳۸۶ توافق نامه‌ای میان وزارت تعاون و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جهت رشد تعاونی‌های فرهنگی (و توسعه فرهنگ تعاون) به امضا رسید. با این حال همچنان فعالیت تعاونی‌های فرهنگی بسیار محدود است. بنا به گزارش وزارت تعاون (جدول زیر) تاکنون ۱۰۸۶ تعاونی در گرایش فرهنگی، هنری و تبلیغاتی در کشور تاسیس شده‌اند که ۱۲۰۲۸ عضو دارند (تعاونی‌های فرهنگی، هنری و تبلیغاتی ثبت شده تا تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۸). این تعاونی‌ها در مجموع منجر به اشتغال‌زایی برای ۸۹۷۶ نفر شده‌اند. استان‌های تهران، مازندران، اصفهان، فارس، کرمان، آذربایجان شرقی به ترتیب بیشترین تعداد تعاونی‌های فرهنگی را دارا هستند.

جدول ۴. تعاونی‌های فرهنگی، هنری و تبلیغاتی

مناطق	تعداد	مجموع اعضا	مجموع سرمایه	اشتغال‌زایی
آذربایجان شرقی	۴۳	۱۰۳۰	۱۰۲۷۵۰۹۰	۳۷۳
آذربایجان غربی	۲۶	۱۸۸	۴۱۳۶۲۰	۱۳۴
اردبیل	۳۳	۴۹۴	۹۵۹۲۰۰	۲۲۶
اصفهان	۶۳	۱۸۷۶	۳۵۸۱۷۸۰	۶۰۲
ایلام	۱۹	۱۵۱	۲۷۷۴۵۰	۹۹

۱۷۱	۵۳۳۷۰۰	۱۹۷	۲۶	بوشهر
۲۵۳۷	۵۸۶۰۵۶۷	۱۶۶۵	۱۵۷	تهران
۱۵۹	۲۸۳۰۵۰۰	۲۱۷	۲۸	چهار محال و بختیاری
۲۳	۴۹۳۰۰	۳۹	۵	خراسان جنوبی
۲۵۲	۱۹۸۱۶۲۰	۴۲۱	۴۶	خراسان رضوی
۳۸	۲۲۱۵۰۰	۹۴	۱۵	خراسان شمالی
۲۳۵	۲۱۳۹۲۷۱	۳۰۶	۴۱	خوزستان
۱۴۱	۱۶۳۰۵۰	۱۶۴	۲۰	زنجان
۴۷	۴۰۸۹۰۰	۲۱۵	۵	سمنان
۲۵۳	۲۹۳۳۰۰	۱۶	۲۲	سیستان و بلوچستان
۷۳۶	۱۷۸۸۶۱۱۸۱	۸۱۸	۵۸	فارس
۲۲۴	۲۸۴۱۵۱	۱۷۰	۲۲	قزوین
۸۲	۵۵۳۱۰۰	۱۰۶	۱۱	قم
۲۰۰	۴۸۷۷۵۰	۲۷۳	۳۱	کردستان
۲۹۸	۱۳۳۶۱۷۱۰	۴۱۱	۵۲	کرمان
۱۴۳	۷۰۱۲۵۰	۱۳۳	۱۶	کرمانشاه
۱۴۰	۵۵۳۰۰۰	۱۴۶	۱۹	کهگیلویه و بویر احمد
۱۴۹	۳۰۳۰۶۱۰۰	۴۲۵	۴۴	گلستان
۵۰۲	۵۰۰۲۲۰	۵۱۷	۷۰	گیلان
۳۲۴	۱۰۲۶۰۱۱	۲۸۳	۳۹	لرستان
۵۷۷	۱۹۵۲۴۳۵	۶۴۳	۸۴	مازندران

۲۳	۲۶۸۴۰۰	۹۱	۱۲	مرکزی
۱۰۸	۷۱۱۲۰۰	۹۲	۱۳	هرمزگان
۲۶۶	۳۶۸۱۵۰	۱۸۲	۲۳	همدان
۲۷۴	۲۱۶۶۱۷۰	۵۲۲	۴۳	یزد
۸۹۷۶	۲۶۲۰۹۰۲۷۶	۱۲۰۲۸	۱۰۸۶	مجموع

منبع: مرکز آمار وزارت تعاون (۱۳۸۸)

اما فرصت‌ها و ظرفیت‌های توسعه تعاونی‌های فرهنگی چقدر است؟ چگونه می‌توان به توسعه این تعاونی کمک کرد؟ در این راستا توجه به اقدامات زیر ضروری است:

- ۱- تعریف روشنی از تعاونی‌های فرهنگی ارائه و حوزه فعالیت و خدمات آنها شرح گردد.
- ۲- بستر قانونی و حقوقی گسترش این تعاونی‌ها روشن گردد. (به عنوان مثال آیا موسسات فرهنگی و آموزشگاه‌های هنری می‌توانند به صورت تعاونی تاسیس شوند؟)

۳- مزایای انجام فعالیت‌های فرهنگی در قالب تعاونی‌ها، به عنوان مثال تسهیلات بانکی آنها، روشن شود. متأسفانه در خصوص تعاونی‌های فرهنگی تحقیقات اندکی انجام گرفته است و تنها می‌توان نمونه‌های اندکی را نام برد؛ به عنوان مثال «بررسی نقش و عملکرد اجتماعی، اقتصادی نظام تعاونی در صنعت قالیبافی» که شورای عالی انقلاب فرهنگی به انجام رسیده است. توسعه طرح‌های مطالعاتی و پیگیری مصوبات اجرایی در خصوص تعاونی‌های فرهنگ، زمینه رونق بخشی به اقتصاد فرهنگ ایران را فراهم خواهد ساخت.

برنامه جامع اشتغال در حوزه فرهنگ: در سال ۱۳۸۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از تاسیس شورای اشتغال در حوزه هنر، خبر داد. شورای اشتغال تصویب کرد تا بر اساس شیوه‌نامه‌ای مدون، تا سقف ۲۰۰ میلیارد ریال وام به طرح‌های اشتغالزا در حوزه فرهنگ اختصاص دهد که نیمی از این اعتبار در قالب وجوه اداره شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مابقی توسط بانک عامل به عنوان آورده تامین گردد. بر اساس پیش‌بینی‌های این طرح (در زمان اجرای آن)، با اعطای تسهیلات یادشده و سرمایه‌گذاری به عمل آمده در این حوزه، ۴۹ هزار و ۲۰۵ نفر اشتغال مستقیم در حوزه فرهنگ و هنر، طی فرایندی سه ساله ایجاد خواهد شد و با این حساب میانگین نرخ اشتغال در دامنه‌ای معادل ۲۱ تا ۵۶ میلیون ریال برآورد می‌شود که خود مؤید این نکته است که ایجاد اشتغال در حوزه فرهنگ و هنر از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است.

طرح جامع اشتغال بخش فرهنگ در صدد بود، با توسعه تسهیلات سرمایه‌گذاری در این بخش، نسبت به ایجاد محیطی ایمن برای سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ، توسعه مشارکت بخش غیردولتی در این حوزه، بسترسازی برای استفاده از فناوری جدید در جهت توسعه اشتغال فرهنگی و هنری، برنامه‌ریزی جهت توسعه صادرات فرهنگی،

اختصاص یارانه به هنرمندان، بهبود وضع معافیت‌های مالیاتی مشمول فعالیت‌های فرهنگی و هنری و... گام برداشته و سیاست‌های لازم را اتخاذ کند (همشهری، شماره ۳۱۵۳). اگر چه این طرح به اجرا نرسید و تنها به برگزاری چند کنفرانس علمی محدود شد، اما اکنون پیشینه‌ای مدون برای اقدام و تصمیم‌گیری در حوزه اشتغالزایی بخش فرهنگ است. البته این طرح در برنامه چهارم توسعه به عنوان طرح اعطای تسهیلات بانکی به مشاغل فرهنگی دنبال گردید که به آن پرداخته می‌شود.

اعطای تسهیلات بانکی به مشاغل فرهنگی: قوانین مندرج در برنامه چهارم توسعه، با هدف توسعه فعالیت‌های اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری و به تبع آن افزایش اشتغال، بارقه‌امیدی برای فعالیت‌های بخش فرهنگ و هنر فراهم آورد. اهداف منظور شده بر پایه سیاست‌های شورای عالی اشتغال و مصوبات هیات محترم وزیران در قالب صنایع کوچک زودبازده و کارآفرین بنا شد. مجری این طرح، وزارت کار و امور اجتماعی تعیین گردید. قبل از بررسی عملکرد دستگاه‌های اجرایی، سیستم بانکی و متقاضیان استفاده از تسهیلات، توضیحاتی درخصوص گردش کار اعطای تسهیلات ارائه می‌شود.

نحوه اعطای تسهیلات بانکی به این ترتیب است که ابتدا متقاضی، تقاضای خود را مبنی بر دریافت تسهیلات به همراه توجیحات فنی و اقتصادی به حوزه مرتبط با فعالیت خود ارائه می‌دهد. پس از بررسی و تایید، طرح مذکور در کمیته برنامه ریزی اشتغال و کارآفرینی معاونت برنامه ریزی و توسعه مجدد مطرح و پس از تایید، طرح به بانک طرف قرارداد با وزارت متبوع ارسال می‌گردد. دریافت تسهیلات بانکی در قالب صنایع کوچک و زودبازده مرحله طولانی‌تری دارد. استفاده از تسهیلات یاد شده با تاییدیه کار گروه شهرستان، کمیته اشتغال استان و کار گروه اشتغال و سرمایه‌گذاری استان به نمایندگی وزارت کار و امور اجتماعی و استانداری ممکن خواهد بود. در برخی از استان‌ها عدم رعایت الزام برای ارائه تسهیلات تا سقف ۵۰۰ میلیون ریال، به کار گروه اشتغال و سرمایه‌گذاری استان منظور گردیده است. یارانه سود و کارمزد این تسهیلات نامشخص و با تکمیل فرم‌های مصوب شورای عالی اشتغال قابل پرداخت خواهد بود. میزان این یارانه توسط کار گروه اشتغال و سرمایه‌گذاری استان تعیین خواهد شد.

اما مشکلات و موانع عدم جذب تسهیلات اشتغالزای فرهنگی و هنری عبارت است از این که متقاضی با ارائه طرح اشتغالزایی فرهنگی و هنری خود با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌گردد. با توجه به اینکه فعالیت‌های فرهنگ و هنری در قالب فعالیت‌های خدماتی گنجانیده می‌شود، جذب تسهیلات از سیستم بانکی بسیار طاقت فرسا و گاه غیرقابل وصول است. با بررسی‌های به عمل آمده از نحوه اعطای تسهیلات اشتغالزایی از سوی بانک عامل و عدم جذب سرمایه لازم از سوی متقاضی، مشکلات و محدودیت‌های فراوانی به چشم می‌خورد؛ برخی موانع دریافت تسهیلات برای کارآفرینان و موسسین صنایع کوچک و زودبازده فرهنگی عبارت است از:

۱- به علت عدم آشنایی سیستم بانکی با فعالیت‌های فرهنگی و هنری و انعطاف ناپذیری قوانین و مقررات حاکم بر سیستم بانکی موجب گردیده که بانک‌ها با یک واحد کوچک فرهنگی و هنری مانند یک واحد بزرگ صنعتی برخورد کنند. در واقع، سیستم بانکی در پرداخت تسهیلات، هیچ‌گونه تمایزی بین صنایع کوچک فرهنگی و هنری با سایر صنایع قائل نیست. چنین حالتی سبب گردیده است که فعالیت‌های فرهنگی و هنری، با توجه به ویژگی‌هایی که دارند، نسبت به سایر صنایع در موقعیت بدتر و ضعیف‌تری در کسب تسهیلات بانکی قرار گیرند.

۲- فرم‌های مصوب شورای عالی اشتغال برای توجیه اشتغالی و سودآوری طرح‌های فرهنگی و هنری بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های کار فرهنگی تهیه شده است. به عبارتی فرم‌های تهیه شده از نظر فنی، مالی و اقتصادی برای ارزیابی کارشناسی فعالیت‌های فرهنگی مناسب نیست؛ از این رو اغلب فعالیت‌های هنری قادر به دریافت تسهیلات نیستند. به عنوان مثال چگونه می‌توان اشتغالی اجرایی یک تئاتر را توسط این فرم‌ها توجیه کرد؟!

۳- عدم توانایی کارشناسان دستگاه اجرایی فرهنگی، به عنوان متولی امر، در هدایت صحیح متقاضیان تسهیلات در تکمیل فرم‌های مورد درخواست سیستم بانکی، زمان تدوین و بررسی طرح در کمیته را طولانی و طاقت فرسا کرده است. همچنین عدم اطلاع کارشناسان دستگاه اجرایی از مفاد و مندرجات آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین بودجه و بنگاه‌های کوچک زودبازده و کارآفرین، بعضاً موجب کندی روند امور متقاضیان اجرای طرح‌ها می‌شود. طرح مذکور اگرچه در اجرا با دشواری‌ها و کاستی‌هایی همراه بود اما برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای اجرای آن، موفقیت‌هایی را برای رونق‌بخشی به اقتصاد فرهنگ در پی خواهد داشت.

صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان: صندوق اعتباری حمایت از هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران در نخستین مرحله عضوگیری نسبت به ثبت نام برگزیدگان مناسبت‌های ملی، طی بیست و پنج سال گذشته، در عرصه فرهنگ و هنر (نظیر کتاب سال، جشنواره‌های هنری و مطبوعات و پژوهش) اقدام کرد. حمایت‌های صندوق اعتباری حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان به سه گروه «توسعه‌ای»، «بیمه‌ای» و «معیشتی و تامین آتیه» تقسیم می‌شود که از جمله می‌توان به ایجاد شرایط مساعد برای اعطای تسهیلات اعتباری و وام بانکی، مشارکت در تولید آثار فرهنگی و هنری، کمک به تامین لوازم و تجهیزات مورد نیاز برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری، کمک به ایجاد زمینه‌های اشتغال، پرداخت مقرری و کمک مستمری به افراد مشمول، از کارافتادگی و معمرین و سایر حمایت‌های بیمه‌ای شامل بیمه تامین اجتماعی، نقص عضو و از کارافتادگی اشاره کرد. گفتنی است (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۳). به عنوان مثال تا سال ۱۳۸۸ صندوق حمایت از هنرمندان در استان تهران ۴۰۰ نفر، در استان خراسان شمالی ۷۵ نفر، در استان گیلان ۲۰۰ نفر و در کرمانشاه ۱۲۰ نفر از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان را تحت پوشش قرار داد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۹). متأسفانه تاکنون گزارشی از فعالیت این صندوق منتشر نشده است که عملکرد این نهاد مورد ارزیابی و داوری قرار بگیرد. اما با توجه به اهمیت و ضرورت فعالیت این صندوق، امید به گسترش خدمات آن وجود دارد.

معافیت‌های مالیاتی بخش فرهنگ: به منظور حمایت از فعالیت‌های فرهنگی، طبق قانون برخی از فعالیت‌ها از پرداخت مالیات معاف هستند. بنابر بند (ل) ماده ۱۳۹ قانون مالیات کشور، فعالیت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌شوند، از پرداخت مالیات معاف هستند. همچنین بنابه تبصره ۱، وجوهی که از فعالیت‌های غیر انتفاعی به منظور پیشبرد اهداف و وظایف اشخاص موضوع این ماده، از راه برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارها، نشر کتاب و نشریه‌های دوره‌ای و... در چارچوب اساسنامه آنها تحصیل می‌شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد هزینه آنها نظارت می‌کند، از پرداخت مالیات معاف است. همچنین بنابه ماده ۱۴۲، درآمد کارگاه‌های فرش دستباف و صنایع دستی و شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تولیدی مربوطه از پرداخت مالیات معاف هستند.

با این حال معافیت‌های مالیاتی بخش فرهنگ به جدالی چندساله در دستگاه‌های اجرایی تبدیل شده است. انتشار دستورالعمل بند «ل» ماده ۱۳۹ قانون مالیات کشور بازتاب‌های مختلفی در محافل فرهنگی هنری کشور داشته و انتقادات و پیشنهادهایی نسبت به این بند ابراز شده که مرجع مستقیم برخی از آنها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در سوی دیگر سازمان امور مالیاتی کشور است. هر یک از فعالیت‌های سینمایی، انتشاراتی و آموزشی به نوعی با تفسیرهای مختلفی از این قانون مواجه‌اند. از سال ۱۳۷۹ که معافیت مالیاتی ناشران در روزهای پایانی مجلس پنجم به تصویب رسید، تا مصوبه‌ای که مجلس ششم در این زمینه ارائه داد و تا زمانی که رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در نامه‌ای به رئیس مجلس هفتم از وی خواست تا در مجلس هفتم به ابهام موجود درباره این قانون پایان دهد، بخش‌هایی از این نزاع طولانی بر سر ابهامات است.

برای برخورداری از معافیت مالیاتی نیاز به تکمیل و ارائه اظهارنامه مالیاتی است و اگر کسی اظهارنامه تکمیل و ارائه نکند از معافیت برخوردار نمی‌شود؛ اما به دو دلیل عمده فرهنگ مالیاتی در بخش فرهنگ با مشکل مواجه است: یکی این که فعالان عرصه فرهنگ اساساً کمتر صورت شخصیت حقوقی فعالیت می‌کنند و اشخاص حقیقی هم برای ارائه عملکرد مالی به حوزه‌های مالیاتی مراجعه نمی‌کنند، دوم این که یادگیری و انجام تشریفات اداری برای کسانی که کارهای فرهنگی هنری می‌کنند نوعی دردسر و عذاب تلقی می‌شود و برایشان خوشایند نیست که ملزم باشند هر سال اظهارنامه مالیاتی تنظیم و ارائه کنند و هر سال حساب و کتاب داشته باشند (محمدی، ۱۳۸۳).

نکته بعدی این که در قانون ذکر شده: «فعالیت‌هایی که دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشند» و تلقی این بود که این وزارتخانه برای هر کاری مجوز صادر می‌کند. بعدها بین این مجوز صادر کردن و این که بسیاری از صنوف فعالیت‌شان را انجام می‌دهند و ممکن است در نهایت یک جایی نیاز به صدور مجوز از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته باشد، اختلاف ایجاد شد. واقعیت این است که برای کارهایی که به طور روزمره نویسندگان، هنرمندان، مترجمان، سایر صنوف و دست‌اندرکاران و فرهیختگان انجام می‌دهند، هر روز مجوز صادر نمی‌شود. این تلقی از قانون که فعالیت‌های فرهنگی هنری با مجوز وزارت ارشاد انجام می‌شود، نیز برای خود مشکلات و مسائلی ایجاد کرده است. و برخی (محمدی، ۱۳۸۳) پیشنهاد می‌کنند که بهتر است گفته شود فعالیت‌های فرهنگی هنری که تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت عام قرار دارد، این عبارت برداشت از قانون معافیت مالیاتی را یکسان می‌کند؛ زیرا خیلی از فعالیت‌ها تحت نظارت است، اما لزوماً نظارت به طور مستقیم نیست. مثلاً یک مؤسسه مطبوعاتی مجوز انتشار یک مجله یا روزنامه را از هیأت نظارت می‌گیرد و بعدها افراد و اشخاص مختلفی به طور مستقیم و غیرمستقیم با این نشریه همکاری می‌کنند تا این نشریه منتشر شود. آنها به طور کلی باید چارچوب‌ها و ضوابطی را در کشور رعایت کنند که این چارچوب‌ها و ضوابط همان قانون مطبوعات است و هر روز برای انتشار هر شماره روزنامه یا مجله مجوز نمی‌گیرند. مثلاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای کسانی که در مجله مقاله می‌نویسد یا تصویرگری می‌کند، کاریکاتور می‌کشد و گزارش و خبر تهیه می‌کند، عکاسان خبری و صنوف مختلفی که در روزنامه فعالیت می‌کنند، مجوز صادر نمی‌کند. به عبارتی برای روزنامه به طور عام مجوز صادر می‌گردد و دیگر افرادی که با روزنامه همکاری دارند باید از این معافیت برخوردار باشند. اما این پرسش باقی است که تک تک این افراد چگونه می‌توانند از مزایای معافیت مالیاتی برخوردار شوند؟ برای حل این مسئله

پیچیدگی‌هایی در دستور العمل‌های اجرایی به وجود آمده است.

مسئله دیگری این که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر داشت با استناد به ماده ۱۰۴ همه فعالیت‌های فرهنگی هنری را از پرداخت پنج درصد قرارداد (که برای همه کارها وجود دارد) معاف کند، که این موضوع نیز، بخشی از پیچیدگی‌ها است. بخش دیگر پیچیدگی‌ها، این که برخی اعتقاد دارند این معافیت عام است و بنابراین شامل کارکنانی که به صورت ثابت با مؤسسات فرهنگی یا اشخاص فرهنگی قرارداد دارند می‌شود بنابر این کارکنان آنجا نیز باید از پرداخت مالیات معاف شوند، اما این دیدگاه مورد قبول سازمان امور مالیاتی کشور قرار نگرفت. سازمان امور مالیاتی معتقد است که موضوع مالیات حقوق، در جای دیگری تعیین تکلیف شده است و این معافیت شامل همه افراد نمی‌شود. این مجموعه چالش‌هایی است که در زمینه معافیت مالیاتی وجود دارد (محمدی، ۱۳۸۳). با این حال معافیت مالیاتی به عنوان یکی از کارآمدترین راه‌های رونق اقتصاد بخش فرهنگ، به خصوص نهادهای اقتصادی فرهنگ مانند مؤسسات فرهنگی و آموزشی است؛ بنابر این رفع این ابهامات می‌تواند به توسعه اقتصاد فرهنگ و هنر ایران کمک کند.

بحث

راهکارهای رونق بخشی به بازار هنر در ایران

همان‌گونه که گفته شد مقاله حاضر، تلاشی برای شناخت سیاست‌گذاری اقتصاد فرهنگ و ارزیابی برنامه‌های انجام شده برای رونق بخشی به بازار هنر و محصولات فرهنگی است. بررسی‌های نشان داد متأسفانه مقوله اقتصاد فرهنگ در هیچ یک از مراکز سازمانی و پژوهشی مورد توجه قرار نگرفته است؛ از این رو تشکیل گروه‌های مطالعاتی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی اولین گام موثر برای پرداختن به مقوله اقتصاد فرهنگ و هنر ایران است؛ پیشنهادات گزارش حاضر، بیانگر ضرورت پرداختن به این مساله در ایران است. برخی از ابعاد مساله عبارتند از:

۱- تاکنون کمتر مرکز پژوهشی و دانشگاهی اقدام به مطالعه تخصصی در حوزه اقتصاد و فرهنگ کرده است. البته در مراکز فرهنگی مانند پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و مرکز مطالعات راهبردی (شورای عالی انقلاب فرهنگی) گروه‌های مطالعاتی فعالیت داشته‌اند اما انتظار می‌رود نهادهای اقتصادی مانند وزارت اقتصاد و بازرگانی نیز با تشکیل گروه‌های پژوهشی به این مساله بپردازند.

۲- یکی از مهمترین مشکلات پژوهش در حوزه اقتصاد فرهنگ، فقدان اطلاعات ثبت شده در حوزه خرید و فروش آثار هنری است. از این رو ضروری است نظامی جامع در خصوص ثبت آمار خرید و فروش آثار هنری در ایران طراحی و اجرا گردد.

۳- در برنامه چهارم توسعه طرح‌ها و برنامه‌هایی برای رونق اقتصاد فرهنگ پیش‌بینی شده بود؛ از این رو انتظار می‌رود در برنامه پنجم توسعه، آیین‌نامه‌های اجرایی و برنامه‌های عملی برای تحقق برنامه‌های رونق اقتصاد فرهنگ دنبال گردد.

۴- عدم سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش هنر ناشی از ابهام در متغیرهای اقتصادی بخش هنر است. به عنوان مثال فرایند قیمت‌گذاری کالاهای هنری مبهم و غیرکارشناسانه است. از این رو اجرای طرح‌هایی در خصوص

درجه‌بندی کیفی آثار هنری و تعیین مکانیزم‌های قیمت‌گذاری آنها بسیار ضروری است (مریدی، تقی‌زادگان: ۱۳۸۸).

۵- مکانیزم صادرات و واردات کالاهای هنری تفاوت‌های عمده‌ای با کالاهای اقتصادی دیگر دارد و بی‌توجهی به این تفاوت پرسش‌های مختلفی را مطرح می‌سازد؛ به عنوان مثال تعرفه‌های گمرکی واردات کالاهای هنری (تابلوهای نقاشی دکوراتیو، تندیس‌ها، کالاهای هنری تزئینی) چگونه تعیین می‌شود؟ آیا محدود ساختن ورود این کالاها بر قوت بازار هنر می‌افزاید؟

۶- یکی از مشکلات توسعه بازار مصرف کالاهای هنری، جدایی میان آثار دکوراتیو و آثار آفرینشی هنر است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خود را متولی حمایت از آثار آفرینشی می‌داند در حالی که هنرمندان دکوراتیو در مجموعه مشاغل صنفی قرار می‌گیرند (به عنوان مثال نقاشان شاغل در پاساژ قائم میدان تجریش تهران که بیش از ۹۰ نفر هستند در صنف لوازم خانگی قرار دارند) و از هیچ یک از امکانات حمایتی مانند معافیت مالیاتی و بیمه برخوردار نمی‌شوند؛ در حالی که مصرف فرهنگی اغلب مردم در زمینه آثار تزئینی و دکوراتیو است. بنابر این لازم است با اصلاح تعریف مفهوم هنر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فعالیت‌های هنری در حوزه آثار تزئینی و دکوراتیو نیز شامل نظام حمایت‌های دولتی گردند تا ضمن افزایش زمینه‌های اشتغال در بخش هنر، شرایط برای تولید بهتر آثار دکوراتیو و اصلاح ذوق عمومی در مصرف آثار هنری انجام گیرد. این جریان می‌تواند به رونق بازار هنر کمک کند.

۷- یکی از مشکلات بازار هنر، فقدان سرمایه و سرمایه‌گذار بخش خصوصی است. بازدهی کم و ریسک بالای بازار هنر موجب می‌شود کسی حاضر به سرمایه‌گذاری کلان در این حوزه نباشد. اما تشکیل تعاونی‌های فرهنگ با انباشت سرمایه‌های اندک تا حدود زیادی می‌تواند این فقدان سرمایه را جبران کند بدون آن که خطر زیادی را متوجه سرمایه‌گذاران نماید. بنابر این توسعه تعاونی‌های فرهنگ و تعیین سازوکارهای عملی تشکیل آنها می‌تواند به رونق بازار محصولات فرهنگی منجر گردد.

۸- با توجه به سهم زیاد دولت در رونق بخش اقتصاد فرهنگ ضروری است یارانه‌های بخش فرهنگ و هنر مورد مطالعه و بررسی بیشتر قرار گیرد. همچنین راه‌های افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باید مورد مطالعه دقیق‌تر قرار بگیرد.

۹- برگزاری حراج بین‌المللی هنر اسلامی در ایران و برگزاری اکسپوهای سالانه یکی از بهترین راه‌های رونق بخشی به بازار هنر است؛ از این رو مکانیزم فروش در این حراجی‌ها باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

۱۰- توسعه نهادهای اقتصادی بخش فرهنگ از طرح‌های مبنایی توسعه اقتصاد فرهنگ و هنر است؛ به عنوان مثال موسسات فرهنگی و هنری یکی از مهمترین بنگاه‌های اقتصادی فرهنگ محسوب می‌شوند. بنابه آمار رسمی تا سال ۱۳۸۶ تعداد ۲۶۳۶ آموزشگاه آزاد هنری و ۳۱۵ نگارخانه در ایران فعال بوده‌اند؛ این تعداد نشانگر ظرفیت بالای اشتغال در این مراکز است. از این رو لازم است مکانیزم‌های جذب سرمایه، اعطای تسهیلات بانکی و دیگر نظام‌های حمایتی در این بنگاه‌ها مورد توجه بیشتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر نهادهای تصمیم‌گیرنده قرار گیرد.

۱۱- در نهایت باید بر این نکته تاکید کرد که اتمام طرح‌های مهمی چون «طرح آمایش سرزمین»، «طرح تشکیل شورای اشتغال» و «طرح نیم درصد و یک درصد بودجه فرهنگی وزارتخانه‌ها» نتایج مهمی را به بار دارد. متأسفانه

ناقص و راکد ماندن این طرح‌ها، هرگونه تلاش برای اجرای طرح‌های کلان را با تردید همراه ساخته است. در پایان لازم به ذکر است مقوله اقتصاد فرهنگ نیاز به هم‌اندیشی میان رشته‌ای دارد. از این رو تشکیل نشست‌های پژوهشی با حضور اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی فرهنگ و سرمایه‌گذاران این عرصه می‌تواند برای ارائه پیشنهادات بهتر، راهگشا باشد.

منابع

- آهنگر، ابراهیم غلامپور (۱۳۸۸). عملکرد بخش فرهنگ در برنامه چهارم توسعه، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس.
- استراس، آنسلم؛ کورین، جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پیکاک، آلن (۱۳۷۶). اقتصاد فرهنگ و سیاست‌های فرهنگی، ترجمه علی محمد بیگی، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران.
- تراسبی، دیوید (۱۳۸۲). اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، نشر نی.
- خبرگزاری فارس (۱۳۸۳). آغاز عضوگیری صندوق اعتباری حمایت از هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، سوم مردادماه، شماره ۸۳۰۵۰۲۰۰۷۳.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۷۹). فرهنگ و هنر در راستای توسعه همگانی، مجموعه مقالات گردهمایی پژوهش اقتصاد و توسعه هنر، مرکز مطالعات و تحقیقات هنری، تهران.
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۸۹). بیمه تکمیلی هنرمندان و نویسندگان، بیستم مهرماه. شماره ۳۰۲۸۰۱۶۱.
- شاپورآبادی محمد علی احمدی (۱۳۸۷). نگرشی بر آمایش فرهنگی سرزمین و جایگاه آن در برنامه ریزی توسعه فرهنگی، کتاب مجموعه مقالات همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، حوزه هنری.
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۷). ارزش‌گذاری کالاهای فرهنگی و هنری، پژوهشنامه شماره ۲۵، مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- فردرو، محسن (۱۳۸۷). مروری بر مبانی و دیدگاه‌ها در اقتصاد فرهنگ، نشر عباسی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی.
- محمدی، علی اصغر (۱۳۸۳). معافیت مالیاتی؛ جدال چند ساله، گفت و گو با ابوالقاسم ایرجی؛ معاون طرح و برنامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دوشنبه ۸ تیرماه، شماره ۳۴۲۱.
- محمدی، مجید (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی و اقتصاد فرهنگ در ایران امروز، نشر قطره.
- محمدی علی اصغر (۱۳۸۳). معافیت مالیاتی؛ جدال چند ساله: گفت و گو با ابوالقاسم ایرجی، روزنامه همشهری، دوشنبه ۸ تیر ۱۳۸۳، شماره ۳۴۲۱.
- مریدی، محمدرضا؛ تقی‌زادگان، معصومه (۱۳۸۸). عرضه و فروش تابلوهای نقاشی در ایران، فصلنامه جامعه‌شناسی هنر، شماره ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- موسایی، میثم (۱۳۷۹). اقتصاد فرهنگ، انتشارات آن، تهران.
- واعظی، بهروز (۱۳۸۶). آمایش فرهنگی و چشم انداز ایران ۱۴۰۴، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۸ و ۹.
- _____ (۱۳۷۹). مجموعه مقالات گردهمایی پژوهشی اقتصاد و توسعه هنر؛ مرکز مطالعات و تحقیقات هنری، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۳۸۷). شورای عالی انقلاب فرهنگی، صورت جلسه شماره ۴۳۹، مورخ ۲۳ فروردین.
- _____ (۱۳۸۲). شورای عالی انقلاب فرهنگی، صورت جلسه شماره ۵۳۱، مورخ ۹ دی ماه.
- _____ (۱۳۸۸). گزارش تعداد تعاونی‌ها، مرکز آمار وزارت تعاون.